



آیا جامعه مدنی قابل تحفظ است؟ نشست سالانه بانک اروپایی برای ساختار و انکشاف. تاشکنت-ازبکستان

مترجم: پیکار

دعوتی که از من بخاطر ایراد سخن رانی در چنین گروهی سترگ و عالی برای ارایه لکچر Jacques de Larosiere (جاکوس دی لاروسیر)، بعمل آمده است، افتخار ویژه ای را به من بخشیده است. من این افتخار را که به من بخشیده شده است، باید با یک نوع بیم و هراس قابل ملاحظه، پذیرا شوم. عکس العمل نخستم این بود تا از خود به پرسش که آیا من چیزی را برای گفتن خواهم داشت که اسباب خورسندی شنوندگان را فراهم ساخته بتواند. من بر خلاف آنهایی که در سال های گذشته به ارایه این لکچر مبادرت ورزیده بودند، نه اقتصاد شناس، نه سر دبیر بانک، و نه هم کارشناس امور مالی ملی و بین المللی هستم.

اما من بیشتر از چهار دهه است که با عرصه انکشاف و توسعه گرفتارم. چنین گرفتاری از سیاق مسؤلیت به حیث امام جمعیت شیعه امامی اسماعیلی جهت تعمیل و تحقق پیام بنیادین اسلام، که بسوی وحدت ماهوی دین و دنیا- معنویت و زندگی روزوار دعوت می نماید، ریشه گرفته است. امامت اسماعیلی، در فراز و فرود تاریخی خود، روی اهمیت کارکرد هایی که بازتاب دهنده آگاهی اجتماعی اسلام که در خدمت بهبود و وضعیت بزرگترین و اشرف ترین آفرینش خداوندی - نوع بشر باشد و انعکاس دهنده مسؤلیتی که اسلام بر دوش خوشبخت ترین ها و اقویا به منظور یاری رسانی به ضعفا و کم توان ها، نهاده است، مصرانه تأکید ورزیده است.

من وقتی که در سال 1957 به مسند امامت جلوس نمودم، سیستم کاری ای را انکشاف دادم که با مسؤلیت هایم به نحوه آهنگ و استحکام آفرین، همگام بوده و با اوضاع، احوال، خواست ها، نیاز مندیها و زمینه های نیمه دوم سده بیست، همخوانی داشت. در زمان استعمار زدایی در آسیا و آفریقا، به میان آمدن جنگ سرد و اثرات فاجعه بار آن روی زندگی کشور های در حال توسعه و گسترش درد آور روزافزون آن بحیث یک جنبش جهانی و همگانی در راستای انکشاف بین المللی، رشد و گسترش همه جانبه اقتصاد و مساعی مشترک انکشاف اقتصادی امامت در آن زمان در شیرازه جمعیت اسماعیلی در جوامعی که جماعت در آن زندگی مینماید، بحیث یک اصل اساسی به شمار میرفت. فعلاً جمعیت اسماعیلی رقم تقریبی پانزده ملیونی را دارا است که در کشور های آسیا، آفریقا، شرق میانه، اروپا و امریکای شمالی، زندگی بسر می برند.

این هدف مرا بسوی تأسیس نهادی که امروز به نام شبکه توسعه آقا خان مسمی است، متشکل از نمایندگی هایی است با تعهدات منحصر به خود در راه گرفتاری کاری ابعاد ناهمگون حیات انکشافی مردمان از یک فرآیند واضح تکمیلی گرفته الی تصورات عالی توسعه ظرفیت های مورد نیاز ابعاد یاد شده، رهنمون گردید. شبکه یاد شده در عرصه های خدمات درمانی، تعلیم و آموزش، استحکام جوامع مدنی، تهذیب، اقتصاد و انکشاف دهات، فعالیت دارد. اکنون بیشتر از سه دهه است که شبکه مذکور دارای تجارب عالی کاری در آسیای جنوبی، آفریقای شرقی و غربی و از سال 1993 به اینسو در آسیای مرکزی بوده است. این گونه فعالیت ها، کار کرد های خود را در تاجیکستان با ارایه خدمت و یاری بشری، باز سازی بعد از ختم درگیری ها و مناقشات داخلی و انکشاف، دوباره فعالیت های کاری خود را به سایر کشور های همسایه به شمول قرغزستان و

قزاقستان، جدیداً گسترش داده است. جدیدترین تعهدات شبکه توسعه آقا خان، در زمینه های باز سازی و انکشاف عرصه های ناهمگون، در افغانستان است.

زمان و تجارب کاری برخی دروس را به ما آموختند که شاید شما از قبل به آنها آشنا هستید، و این خود توضیح دهنده آن است که چرا مؤسسات انکشافی ما بر اساس ارقام و آمار اهداف معین مطروحه، به ساختار گرفته شده اند. انکشاف خود فرآیندی است چند بعدی و نیازمند اهدافی است که خود دارای پس منظر و صلاحیت های چند گانه بوده و از جمعیت های محلی و مشتریان این فرآیند می طلبد تا ظرفیت ها را به منظور پذیرش مسؤلیت هایی که بخاطر آفرینش پیامد های نیرومند طرح گردیده اند و نیازمند رفتاری های دراز مدت با برنامه های انکشافی دایمی برای مؤسسات محلی همیشه فعال اند، گسترش دهند. در حقیقت اصول کار کرد های شبکه توسعه آقا خان ارایه دهنده پاسخ دقیق به این گونه فهمشی از انکشاف است. این نهاد ها همه بر بنیاد حرفه و مسلک استوار بوده و دارای شمار کوچکی از رهبران مرکزی اند که متکی به قوت بازو و نیروی کاری بیشتر از 20000 کارمند و رضا کار در زمینه اند. زمینه های کاری و تجارب دراز مدت ساحوی اداره انکشاف آقا خان، بنیاد اساسی ملاحظات و خطابه امروزی ام را در بر خواهد داشت. من مطمئن هستم که ما میتوانیم موافق باشیم که سطوح عمومی تلاشهای انکشافی ای که دولت ها، مؤسسات بین المللی، و یا نمایندگی های انکشاف بین المللی و سایر نهاد ها و مؤسسات انجام میدهند، هدف آنها عبارت است از انگیزش و آفرینش سهولتی که در خصوصیات خود مثبت و در اثرات خویش بی نظیر و در نحوه خود پایدار و استحکام آفرین برای آینده باشند. انکشاف اقتصادی و رشد زندگی شهروندان، مصارف اشیا و خدمتگزاری در زمینه اقتصاد، گسترش بهبود کیفیت زمینه های کاری کارمندان برای شهروندان و ساکنین کشور ها و عایدات مصرفی شان- مسایلی اند نهایت حیاتی. من این مسئله را بحیث یک هدف مفروض می پذیرم و از همین سبب است که شبکه توسعه آقا خان دارای نمایندگی های بیشمار بوده که اهداف اساسی آنها را گسترش زمینه های اقتصادی سکتور های منتخب تشکیل میدهد. بهر حال کیفیت زندگی دارای ارتباط مستقیم و سیستماتیک با سطح محصولات حتی به شمول پهنای دسترسی به آنچه که اقتصاد تولید میکند، ندارد. بدون تردید رشد و انکشاف نقش مرکزی را در ازدیاد و ارتقای سطح آسایش و کرامت انسانی، بازی کرده میتواند. مگر سایر ابعاد و چالش ها در راستای رشد و توسعه نیز حد اقل نقش مساوی و با اهمیت را در زمینه بازی کرده میتوانند.

بد بختانه بسیاری از موضوعات وابسته به ساحه انکشاف، از نقطه نظر فهمش اصطلاح اقتصادی قناعت بخش نبوده و به درستی به پیمایش گرفته نه شده است و نه هم از طریق برنامه ها و پالیسی های معمولی اقتصادی، بازتاب یافته اند. با در نظر داشت جهات انکشاف اقتصادی مسایل قبلاً ذکر شده است که من دارم اکثریت وقت باقیمانده ملاحظات و نگرانی هایم را امروز بخاطر دو دلیل واضح، وقف نمایم. اکثر ابعاد غیر اقتصادی فرآیند انکشاف، از توجه لازم و ضروری ای که سزاوار آنند، از نظر بدور انداخته میشوند، زیرا اکثر ابعاد سطح پذیرش خطرات ناشی از عدم اجرات برخی مسایل، نادیده گرفته میشوند. دوم، و قتیکه با صلاحیت و به مرور زمان با امور برخورد کاری می نمایی، این ابعاد انکشاف غیر اقتصادی، به گونه عینی باعث حمایه و استحکام فرآیند سالم اقتصادی و سایر جهات در یک جامعه میشوند.

از نقطه نظر پسمنظر فرآیند کاری چهل سال و تجارب اندوخته شده نمایندگی های شبکه توسعه آقا خان، تصور انکشاف مؤسساتی به منظور وارد ساختن تغییرات بنیادی و با قاعده وسیع، هنوز هم نهایت عمده و حیاتی به شمار میرود. مطلبم از انکشاف مؤسسات، استحکام و تمرکز دوباره روی مؤسسات موجود و آفرینش مؤسسات جدید و ایجاد پالیسی جهت حمایه از آنها، میباشد.

انکشاف مؤسسات و نهاد ها در امر ارایه پاسخ به نیازمندیهای فوری، زمینه های جدید، خلا های دایمی، اگر خواسته باشیم مطابق معیار های مثبت با اثرات قابل ملاحظه و مؤثر، بی نظیر، دراز مدت و مستحکم، به پیمایش گرفته شوند، نهایت ضروری است.

به نظر من هیچ کشوری نمیتواند استحکام یابد و به طور دایمی به رشد و نموی خویش ادامه دهد، در صورتیکه جامعه مدنی اش زیر فشار نبود استقرار موروثی مؤسساتی قرار داشته باشد.

انکشاف یک نیازمندی جهانی است، زیرا این گونه ضرورت ها در کشور های خورد و بزرگ وجود دارد، به شمول کشور های متمول با منابع سرشار طبیعی و حتی آنهایی که دارای سطح پائین درآمد های منابع طبیعی اند. کشور های دنیای رو به انکشاف و کشور های پیشرفته جهان به شمول کشور های در حال گذار که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق عرض وجود نموده اند. نیاز مندی و ضرورت انکشاف مؤسساتی شامل حال همه سکتور های اجتماعی میگردد: به شمول کشور ها به سطح ناهمگون مؤسسات بازرگانی خورد و بزرگ، عرصه های مختلف مؤسسات رسمی و غیر رسمی که به گونه دسته جمعی به حیث مؤسسات جامعه مدنی شناخته شده اند. درس بزرگی را که به طور واضح از نیمه دوم سده بیست آموخته ایم، این است که کشور ها نمیتوانند همه کاره باشند. اکنون نقش سکتور بازرگانی خصوصی، در شیرازه اقتصاد ملی به سطح جهانی به مثابه دو فکتور حیاتی و مشروع، شناسایی شده اند.

مگر اهمیت عطف توجه مجدد روی مؤسسات قبلاً موجود، و انکشاف نهاد های جدید جهت شامل شدن به ساحه فعالیت های اجتماعی ای که قبلاً توسط دولت ها با جدیت قابل وصف زیر مراقبت قرار داده شده باشند، هنوز به سطح گسترده مورد اعتراف قرار نگرفته و شناسایی نه شده اند و هیچ گونه شناخت واضحی در مورد اینکه چه چیز در ساختار شکلی مؤسسات جدید دخیل خواهد بود که بتواند آنها را با در نظر داشت حفظ سنت ادای احترام به مناسبات کشور ها در ساحه سکتور های بازرگانی خصوصی که به ذات خود در تقابل با سکتور خصوصی اجتماعی قرار دارد، هنوز مورد بازتاب قرار داده نه شده است. عدم برخورد و معامله واضح با چنین مسائلی و حتی ابهام در زمینه از حاکمیت مشهود برخوردار است. هدف سخنرانی ام در مورد جامعه مدنی دارای چه مفهوم است؟ سکتور های دولتی، بازرگانی خصوصی و جامعه مدنی، ساحاتی اند نهایت گوناگون و کمتر شناسایی شده. مزید بر آن یقین ندارم، حتی آنهایی که در عرصه سکتور فعالیت کاری دارند، به همان شیوه ای که لازم است آنرا تفسیر کرده بتوانند. هدفم این نیست که شامل بحث آکادمیک شوم، بلکه صرف میخوام بدانم که مسئله را دقیق به شناسایی گرفته باشیم. من ترجیح میدهم تا جامعه مدنی را باید به مفهوم گسترده آن به شمول گونه های ناهمگون مؤسسات و نوآوری های جدید در زمینه، به تفکرو تعمق نشینم.

سکتور های خصوصی مفاهیم کاری بیشتری را در خود دارند، نسبت به نامگزاری عادی ای که زیر نام " مؤسسات غیر دولتی " یاد شده اند. من به گونه مثال نهاد های مسلکی ای را که دارای بهترین عملکرد بوده و در خدمت گزاری و وقف کاری با سکتور های بازرگانی، مانند اتاقهای تجارت، انجمن حساب داران، بانکر ها، پزشکان، حقوق شناسان و سایر مشاغل مشابه، قرار دارند، شامل این عرصه کاری میدانیم.

نهاد های جامعه مدنی به گونه ساده در کلیت خود، مؤسسات غیر انتفاعی اند. آنها ممکن از طریق گرفت فیس و به سر رسانی خدمات، بتوانند وجوه پولی ای را جمع آوری نمایند. این ویژگی خود منبع بزرگترین الهام است در بسا از قسمت های جهان، زیرا واژه " غیر انتفاعی همواره با واژه " خیریه " به مغالطه گرفته شده است، که به سادگی خدمت انجام میدهد و فرآیند رفع ضرورت نیازمندان استحکام می بخشد. اینگونه الهام آفرینی قابل فهم است، زیرا تصور خیریه در تمام سنت های مذهبی، دارای تاریخ طولانی است که کمک های واقعی را به آنهایی که قادر به انجام خدمت

خودی نیستند، به سر می‌رساند. بعضی نهاد های جامعه مدنی نیز همواره بطور شاید و باید در فرآیند خدمات خیریه گرفتار بوده اند. مگر گونه های جدید نهاد های خیریه ای که وجود دارند و گرفتار خدمت گذاری در بدل فیس ای اند که صرف احتوا کننده مصارف قسمی و یا کلی فعالیت ها و کارکرد های روزمره شان به شمول پرداخت معاشات کار مندان است، ولی نه بخاطر گرفت سود برای مالکان و گردانندگان امور در زمینه یاد شده. شاید بکار برد عبارت " غیر بازرگانی " برای تعمیم اهداف کاری و فعالیت های نهاد های جامعه مدنی، در همه قسمت های جهان بهتر باشد نسبت به واژه " غیر انتفاعی "، زیرا اکثر مؤسسات جامعه مدنی غیر تجاری- بازرگانی اند و هر امتعه ای را که آنها بدست می آورند، به گونه مستقیم در امر ارتقا و بهبود کیفیت زندگی مشتریان آنها بکار برده میشود و باید گفت که این نهاد ها با دشواری های بنیادی در امر تفکیک منابع مالی ای اند که آنها را در راه باقی ماندن در فرآیند انکشاف بعدی یاری رسان باشد، روبرو هستند.

پرسشی که در محراق توجه قرار دارد این است: " آیا جامعه مدنی قابل تحفظ است؟"، اگر پاسخ بلی است، کدام ویژگی را باید بکار برد؟. تاریخ طولانی نمایندگی های مؤسسه توسعه آقاخان، نشان داده است، با وصف آنکه مؤسسات، نهاد ها و برنامه های بی شمار مالی در امر حمایه از سرمایه گذاری اقتصادی، وجود دارند، با آنها مؤسسات غیر بازرگانی جامعه مدنی با تهدید دایمی عدم تقویه و جوه مالی منظم و سیستماتیک، روبرو هستند.

از نقطه نظر تجارب کاری اداره توسعه آقاخان، یکی از دلایل موجود این است که مؤسسات جامعه مدنی به ندرت در فرآیند فعالیت ها و برنامه گذاری های شان ملی بوده اند. به گونه مثال، همواره مناسبات میان سکتور خصوصی و سکتور عمومی، امور درمانی، آموزشی یا توزیع به فرآیند شانس محول می شوند، بجای آنکه از یک پروسه ژرف نگری و اهداف واضح انکشافی برخوردار بوده باشد، طرح ریزی می شوند. در شیرازه سکتور جامعه مدنی حتی هیچ فرآیند مشورتی هم در میان فراهم آوران کار، روی همان مسایل مشابه با پس منظر ناهمگون، در مورد اینکه چگونه جهت مؤثریت هر چه بهتر باهم باید کار کرد، وجود ندارد. علاوه بر آن مؤسسات مالی احساس دشواری میکنند که چگونه نقش، ضرورت و آینده مؤسسات جامعه مدنی را در شیرازه و بافت اقتصاد ملی، توجیه عقلانی نمایند. حد اقل سکتور بانکی این مؤسسات نمیتواند نهاد حمایه مالی شانرا مادامی که با ویژگی های مؤسسات غیر بازرگانی جامعه مدنی، همخوانی پیدا کنند، در تناسب دقیق قرار دهند. شماری از این ویژگی ها، مانند نیازمندی، بنیاد مصونیت، ارتقا فرآیند تمرکز و جوه پولی، ضرورت استخدام کارمندان شائسته و با صلاحیت با در نظر داشت نرخ مناسب بازار، و در بعضی حالات عدم توانایی و یا علاقه مندی در امر تبدیل شدن به یک فرد وابسته به داد و ستد ساحة بازرگانی که در تحلیل نهایی باهم زیاد عام اند، مساعی بخرچ دهند. من میخواهم نمونه های ویژه ای را از فرآیند فعالیت های خودی که در منطقه صورت گرفته است با شما در میان گذارم. چگونه امکان دارد که یک بیمارستان وابسته به سکتور خصوصی که می خواهد خدمت گذاری نماید و آنها بدون در نظر داشت کمایی سود از فرآیند بازرگانی، گسترش خودی و یا تکافوی مصارف گزاف و بلند و یا هم اکمال لوازم و سامان آلات مغلق و پیچیده تکنالوژی ای که بکار میبرد، فعالیت نماید؟ چگونه ممکن است که جوه پولی (فوند) یک دانشگاه باعث توسعه سطح عالی تعلیم و آموزش آن گردد، در صورتیکه پرداخت فیس دانش آموزان 25% در صد مصارف دانشگاه را جهت پیشبرد امور تعلیم و آموزش، احتوا نکند؟ چگونه میتوان دسته ای از دشواری های ناشی از فقر و گرسنگی در کشور های رو به رشد را که تهدید واقعی در امر افزایش عدم استقرار بوده و هیچگونه امیدی را در راه توسعه اقتصاد معیاری مشاهده کرده نتوانی تا زمانی که قادر به ساختار یک نهاد قابل تحفظ نباشی، باز تاب داد؟

یکی از مثال های خوبی را در زمینه، میتوان از ساختار پل جدید که تاجیکستان را با افغانستان وصل میکند، یاد آورد که هر گز نمیتواند بر مبنای ویژگی های نظام بانکی نورمال، توجیه گردد. در شیرازۀ جامعۀ مدنی، در بسیاری از کشور های رو به انکشاف، توسعه استحكام افرین برخی از مشاغل و حرفه ها، برای توسعه و دموکراسی پایدار، حیاتی به شمار میروند اما از نقطۀ نظر اصطلاح پرداخت و زمینه ها برای باز آموزی دوامدار و سیستماتیک در نبود منابع و درآمد، قرار دارند. سه دسته ای را که امروز میخوایم ذکر نمائیم، عبارتند از: آموزگارها، پرستارها و روزنامه نگارها. وضعیت اقتصادی این اهل حرفه باید تصحیح گردد، تا تعلیم و آموزش به سوی تنزل پیشرونده نرود و از فرآیند تنزل پیشروندۀ مواظبت بهداشتی باید آگاه بود و از زوال وسایل اطلاعات جمعی ملی که تمایل به عدم شایستگی پیدا کند، که فشار های خلاف میل به شمول فساد را در پی خواهد داشت، جلوگیری بعمل آورد. و هنوز هم بهای اضافی پاداش بهتر به چنین افراد پیشه ور و مسلکی به ارزش نهایی محصول ضمیمه شده و آنرا به کسانی که بیشتر نیازمند آنند - فقرا و غربا، غیر قابل دسترس میسازد.

در دنیای سوم موجودیت انباری از نیازمندی های برآورده نا شده با فرآیند رشد سرسام آور جمعیت در جوامع، باعث وارد نمودن فشار غیر قابل تصور حتی بالای کشور های پیش بینی کننده با منابع و درآمد های مؤثّق و کافی، میگردد. در کشور های جدیداً به استقلال رسیده و قبلاً وابسته به اتحاد شوروی سابق، دیگر قادر نیستند تا از سطح عالی دست آورد های بهداشت درمانی و آموزش مستحکم و نیرومند برخوردار باشند، زیرا این کشور ها دیگر صلاحیت تهیه و تدارک و پیشبینی سطح مشابه هزینه مالی تخفیف شده را ندارند، و در تمام قسمت های دنیا تفاوت های روز افزون و تخصصی شدن در عرصۀ های بهداشت درمانی و تعلیم و آموزش، نیازمند مؤسسات و نهاد های نوع جدید، داشتن حاکمیت و چیره شدن و مهار نمودن دانش و تکنالوژی، ظرفیت نوآوری، آفرینش و تشخیص منابع و درآمد جدید در امر ارتقای وجوه پولی (فوند)، میباشد. حتی غنی ترین کشورهای جهان نمیتوانند با چالش های یاد شده برابری کنند، اگر از همکاری و حمایت سکتور های بازرگانی خصوصی و جامعۀ مدنی، برخوردار نباشند.

نهاد ها و مؤسسات جامعۀ مدنی نیازمند رسیدن به عالی ترین سطح صلاحیت اند تا بتوانند حمایت و همکاری خود را موازنه بخشیده باشند. سکتورها سطح توانایی و نوآوری را با آگاهی اجتماعی هم آهنگ می سازند. این دو مسئله با هم یک جا بازتاب دهنده اثر نیرومند بوده و قابل پرورش است. در عین زمان ظرفیت ها برای مدیریت، طرح برنامه ها و اکمال آنها، جمع آوری وجوه پولی، پژوهش و بررسی خودی، نیاز به تقویه و استحکام دارند. درس آموزی از سکتورها، برای خود آنها و همچنان برای دولت ها، مؤسسات انکشافی بین المللی، دانشگاه ها و حتی سکتور های بازرگانی خصوصی دارای اهمیت فراوان است. چگونه میتوانیم فرآیند تحلیل خودی، بررسی و مرور، و تبادل تجارب را بدون متضرر ساختن فرآیند خود گردانی و نوآوری خلاق مؤسسات جامعۀ مدنی، توسعه بخشیم؟ چگونه باید آنها از اندوخته های تجارب خودی جهت انکشاف فرآیند مدیریت برنامه های شان، بیاموزند؟

همچنان تجربۀ شبکه توسعه آقاخان واضح می سازد که سکتور های جامعۀ مدنی با شماری از چالش های قابل بازتاب، سر دچار است، اگر سکتور ها خواسته باشند خدمت مؤثری را در امر انکشاف ملی در مناطق مورد نظر انجام دهند. حتی وقتی که نیاز مندیها به گونه برهنه خود شاهد اند، هنوز نقش سکتور و پتانسیل ها، درست شناخته نه شده اند. نقد کنندگان نبود شیرازۀ کاری، محیط قابل پیشبینی مناسب ای که در آن مؤسسات جامعۀ مدنی بتوانند در امر شکوفایی آینده عمل نمایند، مورد پرسش قرار میدهند. و اینکه سکتور در برابر چه کسی و برای کدام کاری حایز

مسئولیت بوده و حسابه است، هنوز در اکثر مواقع از شفافیت سالم برخوردار نیست. و تنها شمار اندکی موجودیت سکنتور را مورد تقدیر قرار داده و می‌خواهند فرآیند مالی آن استحکام گردد. چگونه باید مؤسسات و نهاد های موجود جامعه مدنی به مدیریت گرفته شوند و یا اداره شوند؟ کدامین معیار باید مورد تعبیر تفسیر کننده سطح کام گاری آنها در زمینه، بکار برده شود؟ دولت ها، واهبان، نمایندگی ها و سایرین، نیازمند کار بیشتر در امر آفرینش محیطی اند که مؤسسات جامعه مدنی را قادر به پدیدار شدن و انکشاف سازد. مسئله بنیادی این است که چگونه تفاهم متقابل را جهت آفرینش شرایط مطمئن در راه پیش دآوری های مشترکی که مردمان و مؤسسات را در امر شناخت پوتنسیال کلی شان، قادر سازد. برخی از مسایل بزرگتر مربوط به سیاق و محتوای امور نیز نهایت حیاتی و عمده اند.

مسئله نخست چنین مسایل، فرآیند مساعی مشترک و همکاری دو جانبه منطقی است، موضوعی که در بسا نقاط برنامه های دو سال گذشته با در نظر داشت چگونگی بکار برد اصطلاح اقتصادی آن، از آن تذکر ذمعل آمده است.

در چند سال اخیر شاهد پدیدار شدن دسته ای کشور های همجوار بوده ایم که جهت تحرک بخشیدن فرآیند بازرگانی و مناسبات گسترده تر اقتصادی، گرد هم جمع آمده اند. همچنان اینگونه جهش دارای اهمیت حیاتی برای آسیای مرکزی است که میتواند بر ساختار آمار نگاری تهذیب مشترک این منطقه که در فرآیند زمان دراز مدت انکشاف یافته و از طریق راه ابریشم نمادین گردیده است، اثر گذار باشد. آسیای مرکزی هنوز از موقعیت خاصی برخوردار بوده و میتواند نقش نهایت با اهمیتی را میان اروپا، چین و نیم قاره هند، بازی نماید. آن نقش زمانی بسیار با اهمیت و مؤثر خواهد بود، اگر کشور های مناطق یاد شده، بجای آنکه بحیث ملت های مستقل عمل نمایند، در جستجوی زمینه های مساعی مشترک انکشاف و توسعه اقتصادی و منابع دست داشته شان باشند.

ولی نباید محیط کاری و فعالیت های یاد شده را صرف به بعد اقتصادی محدود سازیم؟ بسا نیاز مندیهای جوامع مدنی، بطور واضح محیطی و محلی اند. مثلاً، هدف اساس گذاری دانشگاه آسیای مرکزی در مشارکت با کشورهای قزاقستان، تاجکستان و جمهوری قرغزستان، آفرینش زمینه برای تعلیم و آموزش در منطقه و انجام تحقیق و پژوهش پیرامون مناطق مرتفع کوهستانی و تریبه و پرورش متخصصین امور تعلیم و آموزش، برای محلات یاد شده، می باشد. پلورالیسم در حقیقت امر اعتراف به پسمنظرو علایق مردمان، با سوابق ناهمگون، مؤسسات و پروژه های مختلف و متنوع و گونه های بازتاب ابتکار آمیز و ارزشمند آنها است. و از این جا است که آنها سزاوار شناخت و حمایه از طریق دولت ها و جوامع در کلیت خود اند. بدون حمایه پلورالیسم جامعه مدنی هیچگونه کار آبی نخواهد داشت. همچنان پلورالیسم برای صلح و برای توضیح بهتر اینچنین اظهارات که گویا علل و اسباب مناقشات نظامی ناشی از ناهمگونی های فرهنگی، نژادی و مذهبی در همه قاره ها اند، حیاتی به شمار میرود.

امروز هدف ابراز نظرم را گرفتن انگشت انتقاد بر نظام بانکی بین المللی و یا ملی نیست. و نه هم تبارز عدم اظهار سپاس در برابر آن همه کمک های سخاوتمندانه ای که از شرکای واهب خود در جریان چندین سال گذشته بدست آورده ایم، بوده باشد. بهر صورت می‌خواهم با شما ببینش و افکارم را سهیم سازم و آن اینکه یقین ژرف من از تجارب اندوخته چندین ساله کاری ام ناشی میگردد و مرا به این نتیجه رسانیده است که هنوز هم در برخی از کشورها، حمایه و همکاری برای مؤسسات جامعه مدنی غیر بازرگانی، وجود ندارد، بسنده نبوده و یا هم بر وفق مراد و نیاز مندیهای مؤسسات یاد شده، تنظیم نگردیده است.

اگر جامعه مالی بین المللی اراده بررسی ژرفتر مسایل و بازتاب آنها را در امر حمایت مؤسسات غیر بازرگانی جامعه مدنی داشته باشد، لازم است اهداف معین ستراتیژیک ای را باید مطرح نمود. نخستین موضوعی را که به شما پیشنهاد میکنم این است تا مطمئن ساخت که انکشاف جامعه مدنی باید استحکام بخشنده تقدیر جمعی از تصور تعددگرایانه مردمانی باشد که در خطوط مرزی مشترک حیات به سر می برند که خود یک موهبت است و نه یک مسؤلیت، در برابر همدیگر. رویداد های جدید در برکه های بزرگ افریقا، در بسا از کشور های آسیا، به شمول افغانستان و تاجیکستان، نشان داده است که جوامع باید به نحوی انکشاف یابند که هر یک از دسته ها در خود احساس ارزش و احترام کنند و در امر تحقق اهداف انکشاف ملی، نقشی باید داشته باشند. من باور ندارم، اکثریت مردمان در محیطی بدنیا آمده باشند که در آن بسوی پلورالیسم بحیث یک موهبت نظاره کرده باشند. بهر حال من یقین دارم که مؤسسات و نهاد های جامعه مدنی نقش مرکزی را در امر ارزشیابی پلورالیسم و مضمول گرایی، بازی کرده میتوانند. مگر باز هم چه کسی آن وسایل را در اختیار میگذارد تا به وسیله آن پلورالیسم راه خویش را بسوی جامعه مدنی به مثابه نیاز مبرم برای زندگی مدنی آینده، باز کند. برای اینکه مرا استماع نمودید، از شما خیلی مشکورم. من در این جا بخاطر ارایه سخن در مورد سیستم بانکی دعوت نه شده بودم، همچنان اهداف بانک جهانی را به گونه واضح میدانم و آنرا مورد تقدیر قرار میدهم، زیرا اهداف بنیادی اش را انکشاف مستحکم اقتصادی، تشکیل میدهد. آنگونه که من میدانم، مردمان آسیای مرکزی، به منظور آفرینش آینده ای سالم، به چیزی که نیاز دارند، عبارت از تمرکز توجه جدید روی ساختار مؤسسات جدید با تصور و بینش جدید برای یک جامعه مدنی جدید است.

با اظهار سپاس و امتنان